

نیمکت‌های بی‌ثبات و لرزان



شیوا نوروزی / دنیا حیدری

تغییر در ترکیب تیم‌های فوتبال و کادر مربیگری امری عادی در فوتبال جهان محسوب می‌شود؛ تغییراتی که برای کارآمدی و موفقیت بیشتر تیم‌ها صورت می‌گیرد؛ تغییراتی که باعث می‌شود گره تاکتیکی و تکنیکی تیم‌ها باز و روند نتیجه‌گیری تیم‌ها درست شود.

معمولاً رسم بر این است که این تغییرات در پایان هر فصل صورت می‌گیرد. طی دهه‌های اخیر یک برهه زمانی کوتاه به نام نقل و انتقالات نیم‌فصل هم درست شده تا تیم‌ها بتوانند نقاط ضعف خود را با خریدهای درست و تغییرات بابرنامه برطرف کنند، البته در این میان برخی تغییرات انگشت‌شمار، اتفاقی و



این همه تغییر نوبره!

لیگ برتر شاهد تغییرات گسترده و خارج از عرفی بوده‌ایم که در هیچ منطقی نمی‌گنجد، البته تیم‌هایی چون تراکتور، گل‌گهر، چادرملو، فولاد، ذوب‌آهن، ملوان، آلومینیوم اراک و استقلال خوزستان تا اینجای کار دست به ترکیب‌کادر فنی خود ن‌زدانند اما هشت تیم باقیمانده چنان تغییرات گسترده و چندباره‌ای انجام داده‌اند که جای خالی آنها را پر کرده‌اند. آنچه در پی می‌آید نگاهی گذرا به تغییرات گسترده و قابل‌تأملی است که هشت تیم لیگ برتری طی ۱۸ هفته داشته‌اند؛ تغییراتی که بدون تردید در هیچ کسای فوتبال جهان با این حجم عجیب دیده نمی‌شود.

از سر اجبار هم هست که تعدادشان بسیار محدود است. به ویژه اگر پای تغییر در کادر فنی تیم‌ها در میان باشد. اما... اما داستان فوتبال ایران اینجا هم با تمام دنیا متفاوت است؛ فوتبالی که اتفاقاً در این یک مورد برخلاف تمام موارد دیگر کاملاً حرفه‌ای برخورد می‌کند و جالب این است که این برخورد حرفه‌ای کاملاً به ضرر و زیان فوتبال تمام می‌شود، چون پای دلال‌جماعت در میان است و آنها سر پول‌شان با کسی شوخی ندارند. بگذریم گفتیم که تغییرات و نقل و انتقالات در فوتبال جهان به چه منظوری انجام می‌شود و در چه سطحی است اما اینجا و در فوتبال ایران شاهد تغییرات گسترده‌ای هستیم که نگاه به آمار آن دود از کله هر منتقد و مفسری بلند می‌کند. در همین ۱۸ هفته سپری شده از

پرسپولیس؛ اخراج اخراجی

نیز طولانی نشد. او هرگز نتوانست ارتباطی که باید را با هواداران برقرار کند و به دلیل تغییرات زیاد در ترکیب بارها صدای آنها و حتی پیشکسوتان را هم درآورده بود. جدایی او که بارها و بارها هواداران شعار حیا کن را برایش از روی سکوها سر داده بودند، بعد از چهار شکست متوالی از هفته دهم تا سیزدهم مقابل استقلال خوزستان، نساجی، سپاهان و مس‌فارسین بود که قطعی شد تا مرد اسپانیایی که در تیم تراکتور به عنوان بازیکن در دل هواداران برای خود بازی می‌کرد، بعد از ۲۰ بازی در تورنمنت‌های مختلف (۹ برد، پنج تساوی و شش باخت)، از جمع سرخوشان جدا شد، آن هم قبل از پایان نیم‌فصل. بعد از برکناری گاریدو سکان هدایت پرسپولیس به طور موقت به دست کریم سهروردی شد و او کار خود را با دو برد آغاز کرد اما تا تأکید داشت سرمربیگری را نمی‌پذیرد. کریم سهروردی هم با شکست و نیم‌فصل دوم را هم با تساوی مقابل ذوب‌آهن پشت سر گذاشت تا سرانجام درویش بعد از یک‌ماه بازی با اسامی و از دست دادن زمان، با اسماعیل کارتل (دومین سرمربی تیم که پرسپولیس بعد از دنیالی) به توافق برسد، هر چند در بازی با تراکتور هم که با برتری سرخوشان به پایان رسید کریم مربی بود و کارتل نامشکار اما سرانجام باقری سکان هدایت پرسپولیس را به مرد ۶۳ ساله ترکیب‌تغییر داد که سابقه سرمربیگری در تیم‌های فتر باغچه، یازپانته‌اسکور، اتکاراگوچو، ریزه‌سپور، سیواس اسپور و فوینا اسپور و حضور در یک چهارم نهایی لیگ کنفرانس را دارد.



موفقیت‌های اخیر پرسپولیس چه در دوران برانکو و چه یحیی گل‌محمدی بی‌تردید نتیجه ثباتی بود که کادرفنی سرخوشان در دوران این دو سرمربی داشتند. هر چند کالدرون در اندک زمان حضورش روی نیمکت پرسپولیس، ثمره کاشته‌های پرفسور را درو کرد و اوسمار در ادامه راهی که یحیی در پیش گرفته بود، موفقیت‌های این تیم را ادامه داد اما پراوض بود اوضاع به همین منوال ادامه نخواهد یافت، وقتی در انتخاب‌های بعدی نه خبری از صلابت و دانست برانکو بود و نه جدیت و پشتکاری یحیی. ۲۳ خرداد ماه بود که باشگاه پرسپولیس اعلام کرد اوسمار، دستیار یحیی که هدایت سرخوشان را بعد از جدایی او به دست گرفته و موفق به کسب عنوان قهرمانی شده بود، به دلیل برخی مشکلات خانوادگی نمی‌تواند پرسپولیس را همراهی کند و همین مسئله مسئولان این باشگاه را به صرافت انتخاب جایگزینی مناسب برای نیمکت سرخوشان انداخت. انتخابی که دو هفته بیشتر زمان برد و درویش بعد از بازی با نام‌های مختلف، از خوان کارلوس گاریدو رونمایی کرد؛ سرمربی ۵۹ ساله اسپانیایی که سابقه هدایت الوداد کارابلاک مراکش، اسماعیلی مصر و کاستیون اسپانیا را داشت، اما بی‌تردید ویا راتال اسپانیار (فصل ۲۰۱۰-۲۰۱۱) مهم‌ترین تیمی بود که گاریدو هدایت آن را بر عهده داشت ولی گاریدو ۲۰ درواز قبل از آغاز رقابت‌های لیگ که سکان هدایت پرسپولیس را به دست گرفت، طی پنج سال از پنج باشگاه اخراج شده بود و حضور طولانی مدتی در هیچ باشگاهی طی این سال‌ها نداشت. هم‌طور که حضورش در پرسپولیس

رکوردزنی استقلال

باشگاه تمام تلاش‌شان را کردند تا بگویند او گزینه‌ای درجه یک است! موسیمانه اولین مربی آفریقایی تاریخ فوتبال ایران لقب گرفت و برخلاف وعده‌هایش عملاً نتوانست تغییری اساسی در استقلال ایجاد کند. باخت به خیبر خیرمقدمی بود برای او تا متوجه اوضاع بحرانی آبی‌ها شود. دو باخت سنگین به تراکتورسازی و الهلال نیز پس از آن رقم خوردند. هواداران در بازی چهارم آرزوی شان محقق شد و استقلال توانست مس‌فارسین را ببرد. در ادامه اما نتایج ضعیف و پرنوسان تیم ادامه پیدا کرد. تساوی‌های متوالی و از دست دادن امتیازهای زیاد، تغییری در جایگاه استقلال در جدول به وجود نیاورد و این تیم همچنان در میانه جدول قرار دارد. ادامه این روند باعث شد موسیمانه حساب‌کار دستش بیاید و بدقولی مدیران باشگاه در پرداخت مطالبات بهترین بهانه برای رفتن بدون خداحافظی بود.

مرد آفریقایی بی‌خبر از ایران رفت و استقلال را تهدید به شکایت کرد. در روزهایی که موسیمانه برای گرفتن بیش از یک میلیون دلار دست به کار شده، بختیاری‌زاده دوباره سرمربی موقت استقلال است و پیروزی بر همنام خوزستانی شوک مثبت رفتن موسیمانه از این تیم بود. این بار نیز اسامی و گزینه‌های خارجی زیادی مطرح شده و پراوض است که باشگاه دوباره برای انتخاب سرمربی جدید دچار سرگیجه شده است. تکونام و موسیمانه که نتوانستند استقلال را نجات دهند ولی هواداران این تیم منتظرند تا شاید سرمربی سوم معجزه کند و تیم محبوب‌شان را به جمع مدعیان بازگرداند.



بدون شک نیمکت استقلال یکی از پرحاشیه‌ترین فصل‌های تاریخ خود را پشت‌سر می‌گذارد. آبی‌های تهران فصل گذشته سه هفته مانده به پایان لیگ، صدرنشینی را از دست دادند و در نهایت هم به خاطر یک امتیاز کمتر حسرت قهرمانی به دل‌شان ماند. آنها با جواد نکونام در کسب جام‌ناکام بودند اما شرایط به گونه‌ای پیش رفت که مدیران باشگاه و البته مالکان جدید تصمیم به ادامه همکاری با او گرفتند. از قبل شروع فصل جدید اختلافات ریز و درشت سرمربی با مدیرعامل وقت باشگاه مشخص بود و حواشی زیادی را به همراه داشت. در هر صورت تکونام روی نیمکت استقلال باقی ماند و تا آخرین لحظه با فرساید سمیعی و اطرافیانش کل‌کل کرد. پیروزی نزدیک مقابل شمس‌آذر در هفته نخست شکسته‌تر از حد انتظار بود تا جایی که پس از آن استقلال دو تساوی و دو شکست در لیگ متحمل شد. یکی از این باخت‌ها در دربی تهران و مقابل پرسپولیس بود، حتی پیروزی پر گل مقابل الغرافه در لیگ‌نخبگان نیز نتوانست این تیم را نجات دهد و باخت به السد پایان رسمی همکاری تکونام با استقلال بود. سپردن مسئولیت تیم به جدولی به سهراب بختیاری‌زاده موقت بود و مدیران باشگاه از همان اول حرف از انتخاب یک گزینه خارجی درجه یک زدند؛ بختیاری‌زاده در مدت کوتاهی که نفر اول نیمکت استقلال شد، شاگردانش هوادار را ۲ بر یک شکست دادند اما سه گل از ذوب‌آهن خوردند و به النصر هم باختند. پس از این سه بازی نوبت روی کار آمدن پیتسو موسیمانه شد؛ مربی آفریقایی‌ای که برای همه ما ناشناخته بود اما مدیران

بروبیا در مس

بی‌تردید یکی از پرفرت و آمدترین نیمکت‌های این فصل لیگ برتر را مس‌فارسین در اختیار دارد که بدون در نظر گرفتن پیروانی (به عنوان مربی موقت) سه مرتبه دستخوش تغییر شده است! مس‌فارسین که همچنان پرونده فساد آن در جریان است، لیگ بیست و چهارم را با محرم نوید کیا آغاز کرد؛ مربی‌ای که از نیم‌فصل لیگ بیست و سوم به جمع نازجی‌پوشان اضافه شده بود و بعد از کشمکش‌های فراوان، رضایت هواداران و مسئولان باشگاه آنها را به ادامه همکاری با او متقاعد کرد، اما در پایان هفته هفتم و بعد از باخت مقابل شمس‌آذر که چهارمین باخت این فصل مس بود، نوید کیا که جز دو مساوی و یک برد عمده بازی‌ها را باخته بود، بحث استعفا را پیش کشید؛ درخواستی که فتح‌اللهی، مدیر تیم مس مدعی شد مدیرعامل باشگاه با قاطعیت آن را رد کرده اما تنها چند ساعت بعد، امیرحسین پیروانی به عنوان مربی موقت مس معرفی شد تا مشخص شود مدیریت باشگاه چندان هم با جدایی نوید کیا مخالف نبوده! چندی بعد، مس با مسعود شجاعی برای ادامه راه به توافق رسید اما نکته جالب این بود که هم‌زمان با حضور شجاعی در تمرینات مس، خبری از معارفه رسمی او نبود چراکه اختلافات مسئولان باشگاه با محرم نوید کیا بر سر مسائل قراردادی مانع عقد قرارداد با شجاعی شده بود. این در حالی بود که ۱۵ روز قبل نوید کیا در اعتراض به مشکلات این تیم، مس را ترک کرده بود، هر چند مس با شجاعی قرارداد بست اما او تنها ۱۰ بازی روی نیمکت این تیم نشست و بعد از چهار بر یک تساوی و پنج باخت در لیگ و جام حذفی، از جمع نازجی‌پوشان جدا شد تا سیروس پورموسوی به عنوان سومین مربی، سکان هدایت مس‌فارسین را به دست گیرد؛ جدایی‌ای که البته گفته می‌شود به اختلافات شجاعی با مدیرعامل ارتباط داشته نه مسائل فنی! اما باید دید سومین مربی چند هفته می‌تواند روی نیمکت مس دوام بیاورد.



سپاهان فرانسوی

نخستین روزهای تیم ماه ۱۴۰۱ بود که زردپوشان اصفهانی رسماً با دستیار سابق مورییو به توافق رسیدند تا موریس، جایگزین محرم نوید کیا شود. مرد پرتغالی که در اینتر میلان، چلسی و رئال مادرید دستیار مورییو بود، بعد از کسب چهار قهرمانی (دو بار در کره جنوبی) یک قهرمانی در لیگ عربستان با الهلال و یک قهرمانی در سوپر جام این کشور به ایران آمد اما تنها موفقیتش در طول دو سال و چند هفته حضورش در جمع زردپوشان اصفهانی، کسب تنها یک قهرمانی در رقابت‌های حذفی بود و پس. سپاهان لیگ بیست و چهارم را با برد آغاز کرد و این رویه را تا پایان هفته چهارم نیز ادامه داد تا خود را از همان ابتدا به عنوان یکی از مدعیان این فصل معرفی کند، اما نوار بردهای این تیم را ذوب‌آهن در دربی اصفهان پاره کرد و بعد از آن بود که این تیم نخستین باخت خود را هم برابر تراکتور تجربه کرد، هر چند این برد هفته بعد جبران شد اما هفته‌های هشتم و نهم به ترتیب با تساوی مقابل نساجی و باخت به فولاد خاتمه یافت تا موریس بعد از برتری مقابل آلومینیوم اراک در هفته دهم به دلیل جو هواداری به جای کنفرانس راهی رختکن شده و ضمن خداحافظی با شاگردانش استعفا کند. استعفا که پذیرفته شد تا هوگو امپدا به عنوان مربی موقت سپاهان را تا انتخاب سرمربی جدید همراهی کند. سپاهان با این مربی شاره‌امارات را در لیگ قهرمانان آسیا شکست داد اما او هم بعد از تساوی مقابل نساجی سپاهان را ترک کرد تا این تیم فصل را با کارترین فرانسوی ادامه دهد؛ مربی‌ای که در طول ۱۱ حضورش روی نیمکت زردپوشان هیچ شکستی را تجربه نکرده به رغم ادامه حضورش در صدر جدول، از هفت بازی که با این مربی در لیگ داشته چهار برد و سه تساوی کسب کرده اما در کل، کسب ۳۹ امتیاز از ۱۸ بازی بهترین عملکرد سپاهان در تاریخ لیگ برتر است.



شمس‌آذر بی‌وفا

لیگ‌برتر فوتبال ایران بر است از اتفاقات عجیب و غریبی که به ذهن هیچ کس خطور نمی‌کند. جابه‌جایی سرمربیان دو تیم شمس‌آذر قزوین و ملوان یکی از همین اتفاقات است. پیش از شروع فصل بیست و چهارم این رقابت‌ها، سعید دقیقی در ملوان و مازن یازار در شمس‌آذر، از شرایطشان رضایت نداشتند و تصمیم به جدایی از تیم‌های‌شان گرفتند. با درخواست هر دو مربی و همچنین توافق باشگاه‌ها، دقیقی به تیم سابقش شمس‌آذر بازگشت و زارح هم به ملوان! سعید دقیقی فصل گذشته هم در اولین حضور نماینده قزوین در لیگ‌برتر هدایت شمس‌آذر را یک نیم‌فصل بر عهده داشت و امسال نیز دوباره به تیم سابقش برگشت. در این مدت شمس‌آذر مشکلات مالی زیادی را تحمل کرد و نتایج مطلوبی به دست نیاورد. تیم دقیقی طی هشت هفته اول فقط توانست هفت امتیاز کسب کند و در ده دوازدهم جای بگیرد. از اینجا دیگر همراهی مسیر با تیم قزوینی میسر نبود و این مربی به صورت توافقی از شمس‌آذر جدا شد. مدیران باشگاه خیلی زود متوجه آن کار شدند و بارها مهاجری به توافق رسیدند. این مربی پس از جدایی از خیبر بیکار نماند و با شمس‌آذر قرارداد همکاری بست. شاگردان مهاجری در اولین حضور این مربی ۲ بر صفر مغلوب پرسپولیس شدند. مهاجری تنها بازی روی نیمکت این تیم نشست و در این مدت شمس‌آذر نیم‌فصل باخت و سه برد به دست آورد. سیدمهدی رحمتی مرد اول نیمکت شمس‌آذر شد؛ مربی‌ای که طی ۱۲ هفته ابتدایی فصل هدایت هوادار را بر عهده داشت و هنگام جدایی هوادار با هشت امتیاز قهرنش لیگ بود. نماینده قزوین در ادامه کار را با دروازه‌بان سابق استقلال ادامه داد و در اولین حضور رسمی رودروزی تیم سابقش قرار گرفت. شمس‌آذر موفق شد یک گل آبی‌های تهران را شکست دهد و این شروعی رؤیایی برای رحمتی محسوب می‌شود.



نیمکت بی‌اخلاق نساجی

اوایل اسفند سال گذشته بود که نساجی بعد از تغییرات پی‌درپی، بار دیگر دست به دامان ساکت الهامی شد؛ مربی‌ای که در گذشته و زمانی که این تیم در شرایط بهتری بود، نه فقط موفق به جدایی نماینده قائم‌شهر از قعر جدول شده بود که موفق به کسب عنوان قهرمانی با این تیم در رقابت‌های حذفی کشور نیز شده بود. ساکت الهامی این بار هم موفق به نجات نساجی شد و این تیم توانست همچنان در سطح نخست فوتبال کشور باقی بماند و همین مسئله دلیل خوبی بود برای ادامه همکاری با این مربی در لیگ بیست و چهارم، اما این بار همکاری ساکت الهامی با نساجی بیش از ۱۱ ماه به طول نینجامید و او پس از ۱۶ هفته از سمت خود کناره‌گیری کرد، آن هم در شرایطی که کمیته انضباطی فدراسیون رأی به محرومیت او تا اطلاع ثانوی داده بود. ساکت الهامی این فصل شروع خوبی نداشت و کارش را با باخت مقابل فولاد آغاز کرد و با شکست مقابل این تیم در دور برگشت به پایان برد. نساجی در طول ۱۶ هفته‌ای که با الهامی سپری کرد دو برد، ۴ مساوی و چهار باخت کسب کرد اما تیم‌هایی چون استقلال، سپاهان و تراکتور را هم متوقف کرد. در نهایت ساکت الهامی در پایان هفته شانزدهم و بعد از شکست در خوزستان و حواشی بازی با فولاد از این تیم جدا شد. بعد از جدایی الهامی، مجتبی حسینی به طور موقت روی نیمکت تنها نماینده قائم‌شهر در لیگ برتر نشست تا سرانجام مسئولان این باشگاه برای ادامه مسیر با سلو میلوشویچ به توافق برسند. میلوشویچ با ۱۰۲ بازی ملی و ۳۲۷ گل زده، حضور در دو جام جهانی، آقای گلی در یورو ۲۰۰۰، بازی در استون ویلا، ساراگوسا، اسپانیول، سلتاویگو، حضور در کادرفنی مونته‌نگرو به عنوان مربی و پنج سال مدیریت در پست نایب رئیس فدراسیون فوتبال مونته‌نگرو و فعالیت‌های دیگر در عرصه فوتبال، روی نیمکت نساجی نشست که البته در نخستین تجربه حضورش در این تیم به گل گهر باخت.



خیبر عجل

اولین تغییر نیمکت‌ها در این فصل به نام خیبر خرم‌آباد نوشته شد؛ تیمی که مدیرانش پس از پنج هفته کاسه صبرشان لبریز شد و ترجیح دادند رضا مهاجری را برکنار کنند. خیبر با همین مربی فصل گذشته در لیگ یک خوش درخشید و با پشت‌سر گذاشتن همه رقبا ضمن قهرمانی در لیگ یک، برای نخستین بار به لیگ‌برتر صعود کرد. این صعود شادمانی هواداران خیبر را به همراه داشت و پای ازها را به لیگ‌برتر باز کرد. شاگردان مهاجری در اولین بازی فصل هوادار را شکست دادند ولی شروع خوب آنها خیلی دوام نیاقت. باخت به سپاهان و تراکتور و تساوی مقابل ذوب‌آهن و فولاد باعث شد خیبر از پنج بازی اول فقط پنج امتیاز کسب کند. پس از اتمام هفته پنجم بود که خبر برکناری رضا مهاجری منتشر شد. مدیران باشگاه برای پیدا کردن جانشین مهاجری، خیلی تلاش نکردند و دهم‌ترین گزینه را برگزیدند؛ مارکو اورلیو! دستیار برزیلی مهاجری خیلی زود سمت سرمربیگری را بر عهده گرفت. با همه کاره شدن اورلیو نه تنها شرایط خیبر بهتر نشد بلکه تیم خرم‌آباد دو باخت و یک تساوی دیگر نیز متحمل شد و هفت امتیاز دیگر از کف خیبر بی‌حاشی یافت. تنها بعد از سه هفته مالک و مدیران باشگاه ناراضی‌شان را از شرایط خیبر اعلام کردند و به همکاری‌شان با اورلیو پایان دادند. گزینه بعدی کسی نبود جز سعید دقیقی. سرمربی سابق شمس‌آذر تنها یک روز پس از جدایی‌اش از این تیم رسماً به عنوان سرمربی جدید خیبر معرفی شد. مدت قرارداد دقیقی ۱/۵ سال است و این مربی در اولین حضور رسمی‌اش موفق به کسب پیروزی ۳ بر یک مقابل استقلال بحران زده شد، با این حال نتایج سینوسی خیبر همچنان ادامه دارد و با وجود سه بار تغییر کادرفنی، تغییرات محسوسی در عملکرد این تیم به وجود نیامده است. باید دید دقیقی تا چه زمانی می‌تواند روی نیمکت خیبر دوام بیاورد.



هوادار آخرین تیمی بود که سرمربی‌اش را برای حضور در لیگ بیست و چهارم معرفی کرد. این تیم چهارمین فصل حضور در لیگ‌برتر را تجربه می‌کند، با این حال باز هم هوادار با خطر سقوط به دسته پایین مواجه است. هوادار دو فصل ابتدایی را با قرار گرفتن در میانه جدول به پایان رساند و فصل پیش نیز به سختی و با حضور مسعود شجاعی توانست از منطقه سقوط فرار کند. تیم رده سیزدهمی این بار نیز شرایط خوبی ندارد و مسابقات این فصل را با سیدمهدی رحمتی شروع کرد. رحمتی پیش از این تجربه سرمربیگری در تیم‌های شهر خودرو، آلومینیوم و نساجی مازندران را در کارنامه داشت و خودش هم می‌دانست در هوادار کار آسانی نخواهد داشت. رحمتی طی ۱۳ هفته فقط یک بار طعم پیروزی را با هوادار چشید و آن هم برد ۲ بر صفر مقابل ملوان بود. در این مدت هوادار به ذوب‌آهن باخت و خیلی زود از گردونه جام حذفی هم کنار رفت. نتایج ضعیف این تیم بالاخره کار دست رحمتی داد و این سرمربی با کسب تنها هشت امتیاز از هدایت هوادار برکنار شد. هفت شکست، پنج تساوی و یک برد حاصل حضور رحمتی روی نیمکت هوادار بود. گزینه بعدی هوادار امید روانخواه بود؛ یک استقلالی دیگر که اتفاقاً عملکرد خوبی در تیم پیکان داشت و پیشنهاد تیم لیگ‌برتری او را برای جدایی از پیکان و سوسه کرد. در آن زمان پیکان تیم سوم لیگ دسته اول بود و خطیبی، مدیرعامل باشگاه راضی به جدایی روانخواه نمی‌شد، منتها اصرارهای این مربی سرانجام باعث توافقش با پیکان و جدایی از این تیم شد. روانخواه ترجیح داد مسئولیت هوادار را قهرنشین را قبول کند ولی در لیگ‌برتر حضور داشته باشد. آمدن سرمربی جدید نیز مشکلات هوادار را حل نکرده و این تیم در حضور روانخواه باخت‌های سنگینی را مقابل سپاهان و پرسپولیس متحمل شده است. هوادار همچنان قهرنشین لیگ و گزینه اصلی سقوط به لیگ دسته اول به حساب می‌آید.